



آیا ایمنی از تاسف بهتر است؟

© February 2009, Dr David Hillson PMP HonFAPM

david@risk-doctor.com

هر جا با ریسکی برخورد می کنیم، یکی از بزرگترین چالش ها تصمیم گیری درباره ی اقدامی است که باید برای آن انجام دهیم. ضرب المثل معروفی در زبان انگلیسی وجود دارد که می گوید: " ایمن بودن از تاسف خوردن بهتر است." این ضرب المثل گستره ی وسیعی شامل سیاست دولت، وضع قوانین ایمنی و سلامت، امور حمایت از کودکان و حتی راهنمایی های والدین، را تحت تاثیر قرار داده است. با چنین بافتاری، بهتر است این ضرب المثل را همچون یک اصل احتیاطی دانست.

اصل احتیاطی عنوان می کند که در هر وضعیتی که تهدیدی شدید یا زیانی غیر قابل جبران وجود دارد و هیچ دلیلی برای عدم اتفاق افتادن آن وجود ندارد، باید اقدامات پیشاپیشی انجام دهیم. سپس تصمیماتی برای حمایت از جامعه یا محیط در برابر زیان شدیدی که ممکن است روی دهد، اتخاذ می شود. به عنوان مثال واکنش نشان دادن در برابر "خطرات" مفروض ولی اثبات نشده "ی ناشی از غذاهای ژنتیکی، تلفن های همراه یا نانو تکنولوژی. همچنین موارد زیادی از قواعد و مقررات غیر ضروری ای که دارند برای حمایت مردم از دامنه ی وسیعی از "خطرات روزانه" ایجاد می شوند نیز وجود دارد.

مشکلی که درباره ی اصل احتیاطی وجود دارد این است که منتهی به نگرشی فرا احتیاطی می شود که مقدار بسیار زیادی زمان و کار را برای چیزهایی خرج می کند که ممکن است هیچ گاه تبدیل به یک مشکل نشوند. این مشکل از تمرکز بر یکی از دو بعد ریسک و غفلت از بعد دیگر ناشی می شود. اصل احتیاطی روی تاثیر (اگر ریسک اتفاق بیفتد، چه پیش خواهد آمد.) تمرکز می کند ولی منتهی به غفلت از احتمال (اصلا چقدر این ریسک شانس وقوع دارد.) می شود. این تنها بخشی از کار است چرا که تعیین تاثیر ریسک ساده است در حالی که احتمال، مفهومی دشوار است، مخصوصا زمانی که ما تجربه ی پیشینی از ریسک مورد نظر یا ریسک شبیه آن نداریم. ما معمولا به دلیل اینکه عموما افراد از آمار می ترسند، از احتمال صرف نظر می کنیم.

اصل احتیاطی به چه شکلی با دنیای پروژه ها و تجارت مرتبط می شود؟ ما همواره با ریسک ها در همه ی پروژه ها و شرکت هایمان مواجه می شویم و بسیاری از آنها جدیدند و سابقه ی پیشینی ندارند تا ما را در نحوه ی پاسخگویی به آنها راهنمایی کنند. همانند زندگی روزانه، این وسوسه ی برای گروه های مدیریتی وجود دارد که احتیاط را تمرین کنند، مخصوصا ایمنی " دقیقاً در حالت وقوع" را. این وسوسه منجر به اقدامات غیر ضروری ای برای ریسک ها و اتلاف زمان و منابع ارزشمندی که می تواند در جای دیگری به شکل بهتری استفاده شود می گردد. سپس وقتی که هیچ اتفاقی نمی افتد و ریسک هایی که همه ی ما نگران آنها بودیم تجسم پیدا نمی کنند، افراد می گویند که مدیریت ریسک تنها های و هوی بسیاری است برای هیچ.

در بریتانیا ارزش اصل احتیاطی دارد مورد چالش قرار می گیرد. حتی یک استعلام جدید دولتی پیشنهاد کرد که توجه به اصل احتیاطی باید کاهش داده شود زیرا تاثیر غیر مفیدی بر سیاست عمومی دارد، در حالی که قانون اروپایی به دولت ها دستور می دهد که این اصل را برای شکل دادن سیاست هایشان در نظر بگیرند.

ما نیز در پروژه هایمان باید از خود بپرسیم که آیا "ایمنی بهتر از تاسف است" نگرش درستی است یا نه. تعداد کمی گام های ساده می تواند ما را از تمایل به فرا ایمن بودن دور کند. به عنوان مثال ما باید مطمئن شویم که فرآیند ریسکمان ارزیابی درستی از احتمال وقوع ریسک دارد، همانکه از تاثیرات ممکن آن دارد. ما باید تشخیص دهیم که بدترین حالت سطح تاثیر، تقریباً هرگز اتفاق نمی افتد، و شاید بهتر باشد پاسخ هایی را طراحی کنیم که محتمل ترین تاثیر را هدف قرار می دهند. باید به یاد داشته باشیم که برخی ریسک ها برای ما خوب هستند و فرصت های مثبت باید شناسایی و دنبال شوند. ما باید ایده های "کارایی ریسک" را استفاده کنیم، ریسک ها و عایدی آنها را بالانس کنیم، و قبول کنیم که پذیرفتن برخی ریسک ها مناسب و ضروری است. و در نهایت باید ارتباطات ریسکمان را بهبود دهیم، اینکه واقعا با چه ریسک هایی رویارو هستیم برایمان شفاف شود، چقدر ممکن است آنها اتفاق بیفتند، واقعا چه سطحی از تاثیرات را خواهند داشت و چه پاسخ هایی مناسب اند.

به نظر می رسد "ایمنی بهتر از تاسف است" نگرشی خوب برای انتخاب کردن در زندگی، هم چنانکه در پروژه ها و تجارت، باشد. اما ممکن است این نگرش منجر به ایمنی بیش از حد که باعث فرااحتیاطی شدن می شود، گردد و ما را از پذیرفتن ریسک هایی که همراه با پیشرفت، نوآوری و موفقیت خواهند بود بازدارد. اجازه دهید اصل پیش احتیاطی را از پروژه هایمان کنار بگذاریم و از فرآیند ریسک برای اطمینان از اینکه در حد ممکن ایمن خواهیم بود و دلیلی برای تاسف نداریم استفاده نماییم.